

افکار و نظریات این قلم انفرادی و منحصر به فرد است و اجابت اجباری نمی طلبد  
\*\*\*

استکبار و تکبر - انگیزه ها و پیامدهای آن؛

استکبار بمعنی نخوت و تکبر و معانی زیاد دیگری نیز دارد ولی انگیزه آن برمی گردد به عامل آن که مُستکبر شناخته میشود

استکبار می تواند به حالت مجرد بگونه جوهر ذاتی در وجود انسان مستکبر جا داشته منحصر بخود او و پی آمد های متناسب به شخص او داشته باشد ولی اگر جوهر ذاتی استکبار با ایده و تفکر منفی دیگر که با منافع مردم و جامعه سازگار نبوده توأم با ضرر آئی و آینده گردد خطر ناکترین حالت و وقت و آینده را می تواند در بر داشته باشد

انگیزه های نخوت و غرور از دید معنوی آن به دو جوهر مکتوم منقسم می گردد : اول انگیزه ها و محرکه های عادی ای که صبغه و خواست مُتعدّی نداشته و صفت شخصی دانسته میشود

دوم

انگیزه های مُتعدّی ؛ که در حقیقت مُستکبر؛ بمنظور قبولاندن خواسته ها و امیال شخصی بمنظور کسب منفعت های مادی و معنوی بر دیگران و یا اهداف بخصوص در ایجاد ترس و واهمه بمنظور خود بالابینی استفاده غیر مجاز می نمایند تا اهداف شخصی خود را بالای مردم قبولانده و آنچه میخواهد بدست آرد بگونه مثال زمانیکه بپذیریم صاحبان قدرت از پایین تا بالا بر اشخاص و مراجع تحت نفوذ وزیر دستان خویش از چنین سلوک و روشی برای برآوردن اهدافیکه تذکر داده شد کار گیرند در حقیقت عملکرد شایسته اخلاق نبوده صفت غیر اخلاقی شمرده می شود و آشکارا با فرهنگ شایسته انسانی در تضاد و کرکتر ناشی از غرور و انانیت سبک سرانه بوده می تواند این طرز دید و فکرنا سالم که در مُخیله و ذهن بسا انسان ها جا دارد در حقیقت برخوردار نامناسب اجتماعی غرور بیجا و استفاده نامعقول شناخته می شود

بر باور من! غرور و استکبار که صفت مذموم و شنیع برای دارنده و عامل آنست می تواند بر مبنای این انگیزه ها ایجاد و بکار گرفته شود

اول - مرتکب این عمل خود را نسبت بدیگران شخصیت عالی می پندارد و دیگران را در یک سطح بسیار نازل و پایین محاسبه می کند

دوم - چنین اشخاص از دید تباری و نسل نسب خود ها را در یک جایگاه ممتاز قرار داده و نسل و نسب خویش را نسبت به دیگران عالی می شمارند

سوم - ایشان فهم و علم خود را نسبت بدیگران مضاعف و بلند تصور و دیگران را نسبت بخود به سطح پائین قرار می دهند

چهارم - میخواهد از راه غرور و تکبر برای خود حرمت و شخصیت کمایی و خود هارا برازنده و برجسته جلوه دهند

پنجم - بساهم چنین نوات مقام وجایگاه رسمی و چوکی خود را به رخ مردم می کشند و بر آن احساس غرور و نخوت نموده تبارز مقام و چوکی می نمایند  
ششم: شاید هم عناد و خصومت‌های قبلی انگیزه دهد که چنین اعمال ناشایسته ایجاد و تبارز نماید

هفتم: شاید هم من نتوانسته باشم همه انگیزه هاراطور شاید و باید بشمارم و یا استنتاج نمایم شما لطفن معذورم دارید

اشتباه نشود که تکبر و غرور ذاتی از دیدگاه تعدی باخشم و غضب و خشونت های لفظی، معنوی و فزیکتی تفاوت‌های زیادی دارد که در این مختصر نمی‌کنجد - ولی طور مختصر قابل یاد آوری می‌دانم که اگر این استکبار از حالت روش و خصلت معنوی و مکتوم یا فراتر گذاشته و رویکرد و عمل مادی و فزیکتی یابد تا سبب توهین، تحقیر، ضرب و جرح دیگران گردد آنگاه استکبار کیس جزائی یافته از مسئولیت های معنوی پوشیده عبور و به مسئولیت کیفری آشکار تبدیل می‌گردد

#### انتباهات و پیامدهای ناشی از استکبار

چنین روش و عمل نامناسب ذاتی که منجر به عملکرد های مادی خلاف اخلاق حمیده انسانی گردد بی تردید جایگاه معنوی شخص مستکبر را تنزیل داده و از محبوبیت آن به هر سطح و سویه ای که باشد می‌کاهد

چون عمل بالفعل یعنی (گنش) های استکبار ذاتی هر انسان برای عامل آن خواهی نخواهی (واکنش) های بالمثل بوجود آورده و این واکنش هاهم می‌تواند به دو نوع ایجاد گردد

الف: بگونه مکتوم و معنوی

ب: بگونه آشکارا و معلوم زمانیکه منتج به ایجاد ضرر برای جانب مقابل گردد

همانطوریکه عرض کردم استکبار خود جوهریست از جمله خصایل انسانهای مستکبر که بگونه مکتوم وجود داشته بعد از اجرا و عمل قابل درک و احساس می‌گردد دقیق باید بود که: استکبار همانطوریکه در بالا تذکار یافت بگونه مکتوم و پوشیده گاهی هم بگونه عریان و برملا طور عملی و فزیکتی بوقوع می‌پیوندد (خشونت فزیکتی و یا لفظی) که در این صورت کیس آن به مسئولیت جزائی تبدیل میشود

نباید فراموش کنیم: به هر پیمانیه ای که استکبار وجود خارجی یابد به همان اندازه در تقابل با این کنشها واکنش ها چاق و فریه میشود و انتقامها جوانه می‌زند

#### نشت این زهر

ما اگر موجودیت انسان مستکبر را در یک زمان و مکان معین تصویر بدهیم و او را به نوعی از انواع با طریقه های مختلف صاحب جایگاه، نفوذ و قدرت بشماریم و تعدادی از شهر و ندان یک جامعه داخلی یا خارج که برضائیت یا خواسته و ناخواسته زیر نفوذ قدرت آن قرار گیرند طبعن همان انگیزه های متذکره که قابلیت انطباق به آنها را داشته باشد ایشان ناگزیر میشوند مطابق میل و تمنای مستکبر تسلیم خواست آن گردند

و گاهی هم اتفاق می‌افتد که این افراد زیر سلطه و قدرت مستکبر با ایده و اهداف صاحب قدرت موافق و یا قبلن روش و عقیده مشترکی داشته باشند آنگاه بدون همه تکلیف بامیل و رغبت به آن تسلیم و می‌پیوندد که در این صورت این فضا

وبستر مساعد برای آنها میسر و طور مرموز و مکتوم و یاطور علنی و رسمی با اهداف معلوم و معین با صلاحیت کلانی برای پیاده ساختن اهداف خود ها آزادانه و بدون موانع دست به فعالیت می زنند

ببینید: قبلن اشاره گردید اگر این اهداف تنها در راستای اهداف و منافع گروهی قرار گرفته منافع جامعه و شهر و ندان همان جغرافیادرمیان نباشد باز هم به همان مقیاس واکنشهای جامعه و مردم بمیان آمده بالاخیره عدالت فردی واجتماعی مضمحل و حکومت زور حاکم می گردد

با حرمت سخی صمیم